



عنوان: بهترگزینی روش اثبات و تقویت عقاید دینی از آموزه‌های قرآنی با رویکرد تجارت

وحید سلیمی^{۱*} و محبوبه فدوی^۲

اطلاعات مربوط

به مقاله

چکیده

قرآن حاوی ارزش‌های دینی برای تعالی انسان به سعادت است. مدعای این است که آموزه‌های قرآنی همچنانکه بن مایه ارزش‌های دینی است؛ با بهترگزینی از آن می‌توان روش اثبات عقاید دینی را استخراج نمود. این پژوهش می‌کوشد با روش توصیفی تحلیلی و با بهترگزینی از آموزه‌های قرآنی، روش اثبات عقاید دینی را با رویکرد تجارت و با بهره‌گیری از قالب‌های هنری استخراج نماید. بر مبنای آیات، سیر روش بدین صورت تعریف شد که پیش مقدمه نهادینه سازی ارزش‌های دینی در تاجر-۱- کسب معرفت نفس(شناخت استعداد، ظرفیت‌ها، ابعاد وجودی و موقعیت انسان در جهان هستی)-۲- کسب بینش توحیدی(شناخت مبدأ و نسبت خود با خالق هستی)؛ ۳- معادباوری(شناخت مقصد و ترسیم مسیر سعادت در جهان هستی) است. پس از تحقق این سه مرحله، اعتقادات باید از طریق استدلال عقلی و علمی اثبات شود و رسوخ پیدا کند که در این حالت زمینه پذیرش صفات حسنی در تاجر تسهیل می‌شود.

کلید واژگان

بهترگزینی،
تجارت، اثبات عقاید
دینی، آموزه‌های قرآنی،
قالب هنری

مقدمه

در عصر حاضر ارزش‌های دینی حاکم بر محیط‌های کاری از جمله محیط تجاری از اهمیت روزافزونی برخوردار است به طوریکه "بعد از رسوایی شرکت‌های بزرگی مانند انرون و تایکو، هیئت مدیره بسیاری از شرکت‌ها بر تأثیر ارزش‌های بر رفتارهای کارکنان تاکید زیادی کردند. هر چند چالش بقای سازمان‌ها در شرایط اقتصادی سخت، توجه رهبران را از فرهنگ و ارزش‌ها منحرف کرده است، اما مدیران بر این باورند که ارزش‌های سازمان‌یعنی هنجارهای اصلی برای تعریف رفتارهای مناسب و نامناسب و استانداردهایی که باید در تصمیم‌گیری و فرایندهای مختلف سازمان لحاظ شوند، اهمیتی به مراتب لحاظ شوند، اهمیتی به مراتب بیشتر از عوامل اقتصادی دارد." (Benedetto, ۲۰۱۵)

در عصر حاضر ارزش‌های دینی حاکم بر محیط‌های کاری از جمله محیط تجاری از اهمیت روزافزونی برخوردار است به طوریکه "بعد از رسوایی شرکت‌های بزرگی مانند انرون و تایکو، هیئت مدیره بسیاری از شرکت‌ها بر تأثیر ارزش‌های رفتارهای کارکنان تاکید زیادی کردند. هر چند چالش بقای سازمان‌ها در شرایط اقتصادی سخت، توجه رهبران را از فرهنگ و ارزش‌ها منحرف کرده است، اما مدیران بر این باورند که ارزش‌های سازمان‌یعنی هنجارهای اصلی برای تعریف رفتارهای مناسب و نامناسب و استانداردهایی که باید در تصمیم‌گیری و فرایندهای مختلف سازمان لحاظ شوند، اهمیتی به مراتب بیشتر از عوامل اقتصادی دارد." (Benedetto, ۲۰۱۵)

دین اسلام به عنوان یک نظام همه جانبه، برای تمام ساختهای و ابعاد وجودی انسان برنامه و دستور العمل دارد و با پایه ریزی جامعه بر اساس مبانی ارزش‌های انسانی و معنوی، دارای نقش محوری در ترسیم ساختارهای اجتماعی است. آگاهی و عمل به این فرامین سعادت و کمال انسانی را به ارمغان خواهد آورد و رسیدن به این هدف، نیازمند اتخاذ مسیر و شیوه‌ای صحیح است. بر خلاف مکتب‌های غیرتوحیدی، در تمام شئون فردی و اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، نظامی و اقتصادی نظارت دارد و نه تنها از هیچ نکته‌ای که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فرو گذار ننموده است بلکه موانع و مشکلات سر راه تکامل فرد و اجتماع را گوشزد نموده و به رفع آنها کوشیده است. در حوزه اجتماعی، به دنبال بی‌ریزی جامعه‌ای است که در آن، ارزش‌ها و اصول انسانی و معنوی حاکم باشد و این ارزش‌ها در روابط اجتماعی افراد از خانواده، تا سطح کلان جامعه، تبلور پیدا کند؛ (اوست آنکه بر بندهاش محمد(ص) آیاتی روشن از قرآن را که بیانگر احکام دین است، فرو می‌فرستد تا شما را از تاریکی‌ها بیرون آوردد و بهسوی نور روانه سازد) (حدید، ۹) بدیهی است که برای تشکیل چنین جامعه‌ای، باید ساختاری متناسب با آن، ترسیم و پایه ریزی شود. از دیدگاه شهید مطهری "اشتباه است اگر بخواهیم برای جلوگیری از وقوع یک جرم فقط روی به مجازات بیاوریم. مجازات در مورد افراد غیر عادی به طور عادی که از روی حالت طغیان جرمی را مرتکب می‌شوند صورت می‌گیرد. اسلام راه‌های متعددی از جمله تربیت برای جلوگیری از جرم و گناه دارد؛ بدین صورت که اصول زندگی را بر مبنای قرار می‌دهد که موجبات گناه پیدا نشود" (مطهری، ۱۳۷۴: ۶۸-۷۰).

نهادینه سازی اعتقادات دینی تاجر مورد تاکید قرآن است "مردانی که نه تجارت و نه معامله‌ای آنان را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و ادای زکات غافل نمی‌کند؛ آنها از روزی می‌ترسند که در آن، دلها و چشمها زیر و رو می‌شود" (نور، ۳۷) خداوند در این آیه به جای اینکه بگوید مردانی که به هنگام انجام فرایض دینی از تجارت دست می‌کشند و به جای تجارت به ذکر خدا مشغول می‌شوند؛ می‌فرماید آنها در محیط کسب و کار و همزمان اشتغال به تجارت، از اعتقادات محکمی برخوردارند. نکته لطیف که از این آیه استنباط می‌شود این است که ("تجارت" اشاره به یک کار مستمر و مداوم است، ولی "بیع" برای یک مرحله و به صورت گذرا است) (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۱۵ / ۱۷۷) تاکید قرآن بر نهادینه سازی ارزش‌های دینی و اعتقادات نه تنها در تجارت (معامله‌گری مستمر تاجر) است بلکه در بیع (معاملات تجاری غیرمستمر) نیز صادق است؛ بطوریکه پیوسته بینش توحیدی و معادباوری توأم با انجام بیع و تجارت است و تقابلی میان آنها مشاهده نمی‌شود.

دروندی سازی ارزش‌های دینی امور مطلوب در سه حوزه اعتقادات، احکام و اخلاق است که در این نوشتار صرفاً به روش اثبات عقلانی و تقویت عقاید دینی با رویکرد تجارت و با بهره‌گیری از قالب‌های هنری پرداخته می‌شود. بدون شک تقيید افراد به ارزش‌های دینی در تمام ابعاد جامعه از جمله فعالیت‌های تجاری در حفظ سلامت و پیشرفت مادی و معنوی را برای افراد جامعه به ارمغان می‌آورد. دین با شناساندن مبدأ، مقصد و هدف زندگی، الگوی رفتاری خاصی را برای پیمودن مسیر زندگی به انسان می‌دهد و به زندگی معنا می‌بخشد.

رسوخ عقاید دینی در ایجاد ثبات در شخصیت افراد و حیات اجتماع به عنوان عاملی تأثیرگذار می‌باشد. شناخت و رشد یک برنده تجاری، افزایش اعتماد به کالا و خدمات تجاری، حفظ و افزایش مشتری، افزایش سرمایه گذاری زمانی مورد انتظار است که ارزش‌های اخلاقی در محیط تجارت تجلی یابد که از ترتیب آن، رونق کسب و کار است. ازین‌رو اثبات و تقویت عقاید دینی در تاجر ضروری به نظر می‌رسد. نوشتار حاضر به دنبال پاسخ به این سوالات است: ۱- با بهترگزینی از آموزه‌های قرآنی چه روش‌هایی برای اثبات و تقویت عقاید دینی در تاجر بر مبنای استدلالات عقلی و علمی وجود دارد؟ ۲- با بهترگزینی از آموزه‌های قرآنی از چه قالب‌های هنری می‌توان برای اثبات عقلانی و تقویت عقاید دینی در محیط کسب و کار بهره برد؟

ادبیات پژوهشی

- ارزش: همان اعتباراتی هستند که انسان‌ها به نوعی در مقام عمل به آنها پای بند هستند. سعادت و سلامت جامعه در گرو تحقق انسانیت واقعی، و انسانیت واقعی در گرو شناخت و عمل به ارزش‌های اصیل انسانی، به ویژه ارزش‌های دینی و اخلاقی است. (رهنمایی، ۱۳۹۸: ۵۰) منظور از ارزش‌های اخلاقی در این پژوهش عبارت است از "مجموعه قواعدی که رفتار انسان را در زندگی شخصی و همچنین زندگی اجتماعی هدایت می‌کنند (محسنی، ۱۳۷۱: ۲). به عبارت دیگر ارزش‌های اخلاقی مجموعه‌ای از اوصاف و فضایل و درنهایت رفتارهای است که تاجر بعنوان یک مسلمان باید داشته باشد و دوری از مجموعه رذایلی است که نباید داشته باشد.

- هنر: محمد قطب در تعریف هنر می‌گوید: «هنر کوشش بشری است برای تصویر تأثیرات ناشی از حقایق هستی که در حس ایجاد شود، تصویری زیبا و زنده و مؤثر و کوششی است برای صورت لذتبخش که زیبایی را نمودار می‌سازد» (محدثی، ۱۳۶۵). در این نوشتار، منظور از قالب‌های هنری "مجموعه‌ای از فرایندها در شیوه جذب مخاطب با هدف نهادینه سازی ارزش‌های دینی و ضریب نفوذ تربیتی مؤثر است که در جهت اثرگذاری بر عواطف و هوش انسانی و به منظور انتقال یک مفهوم (ارزش‌های اخلاقی) خلق می‌شوند و می‌تواند عمیق‌ترین ابعاد شخصیت تاجر را با تغییر و تحول بارز مواجه سازد». منظور از "قالب اجرای روش" در این نوشتار این است که برای اجرای صحیح این روش نیاز به شرایط و فضای مطلوب است. به این فضا و شرایط مطلوب قالب اجرای روش گویند. به عنوان نمونه در قالب اجرای اردو می‌توان با طراحی یک برنامه ریزی منسجم تربیتی، مفاهیم اعتقادی را برای تاجر در دل طبیعت بصورت میدانی تبیین نمود.

- بهترگزینی: یکی از رویکردهای مستخرج از آموزه‌های قرآنی که می‌توان برای ارتقای جامعه از جمله رفع چالش‌های تجاری و اقتصادی از آن بهره جست "بهترگزینی (بنج مارکینگ)" است. بهترگزینی واژه‌ای است که از حوزه صنعت و تجارت اقتباس شده و به ویژه در زمینه‌های مدیریت استراتژیک کاربرد دارد. مراد از آن "رفتار متواضعانه برای پذیرش برتری دیگران در یک موضوع خاص و نیز رفتار عاقلانه برای رقابت و برتری جستن بر آنها در همان موضوع است (کمپ، ۱۹۹۸). هدف بهترگزینی عبارت است از "شناسایی و تحصیل استانداردهای عالی و انطباق رویه‌ها و فرایندهای سازمانی با الگوهای برتر در آن زمینه" (سینق و همکاران، ۲۰۰۸). بنابراین، هدف از انجام آن تلاش مستمر برای بهبود عملکرد از طریق مقایسه با الگوهای برتر است. با توجه به اینکه قرآن کتاب هدایت است (بقره، ۲) و هر آنچه از نیازمندی‌های این هدایت است از جمله بیان ارزش‌های دینی و به تبع آن راه‌های اثبات عقاید دینی در آن ذکر شده

است (نحل، ۸۹) بنابراین در این تحقیق، بهترگزینی روش های اثبات عقاید دینی تاجر از آموزه های قرآنی استخراج می شود؛ بهترگزینی به لحاظ روش (استفاده از استدلالات عقلی و علمی)؛ به لحاظ بهره گیری از ابزار تسهیل در اثبات عقاید (قالب های هنری مطروح در قرآن) و نیز به لحاظ سیر اثبات اعتقادات دینی از آیات قرآن.

۱-۱-بهره گیری از قالب های هنری در فرایند اثبات و تقویت اعتقادات دینی تاجر

عوامل متعددی در فرایند اثبات اعتقادات و درونی سازی ارزش های اخلاقی نقش ایفا می نمایند. بهره گیری از ظرفیت بالای هنر در آموزش اثربخش اخلاق اسلامی و نهادینه سازی آن مورد توجه و استفاده آموزه های قرآنی می باشد. بنابراین استفاده از هنر یکی از ابزارهای بسیار مؤثر در اثبات عقاید دینی است. علامه امینی در نقش و تأثیر شعر می نویسد: «تأثیر شعر خوب و زیبا را بالاتر از هر دعوت و تبلیغی می بابی» (امینی، ۱۳۶۸: ۲) قرآن کریم برای نهادینه سازی ارزش های دینی از ظرفیت هنر در قالب های گوناگونی بهره برده است که در زیر به مواردی از آن اشاره می شود.

۱-۱-۱-داستان: یکی از قالب های هنری که در آموزه های قرآنی مورد استفاده قرار گرفته، داستان در مسیر تعلیم و ترویج مفاهیم و ارزش های اخلاقی است. عنوان نمونه داستان دیدار موسی و خضر، اسرار و اطلاعات اصلی تاپایان داستان از خواننده پنهان می ماند و حس کنجکاوی و گرفتن جواب پرسش هایی که در داستان ایجاد شده، خواننده را تا آخر داستان می کشاند. در پایان داستان گره های بسته گشوده می شود و به پرسش های متن پاسخ داده می شود. در واقع این داستان، یک مسیر پر فناز و نشیبی را طی می کند تا به نقطه اوج و قله اصلی برسد. قرآن کریم درباره کارکرد داستان می فرماید «وَكَلَّا نَقْصُ عَلَيْكِ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُشِّتَ بِهِ فُؤادَكَ» (هود، ۱۲۰) هر خبری از اخبار پیامبران را برایت حکایت می کنیم تا تو را قوی دل گردانیم. علامه طباطبائی در تفسیر این آیه چنین آورده است "قصه و اخبار گذشته موجب افزایش یقین، تسکین دل، ثبات نفس، قوت اراده، اطمینان، تحکیم و استواری قلب می گردد." (طباطبائی، ۱۳۶۳: ۹۶/۱۱) بیان سرگذشت اقوامی همچون قوم شعیب که در گذشته به دلیل سرپیچی از قوانین تجاری و اقتصادی اسلام دچار عذاب الهی شدند می تواند در تقویت معادباوری تاجر مؤثر باشد.

۱-۱-۲-تمثیل

یکی دیگر از موارد استفاده از هنر در آموزه های قرآنی استفاده از قالب تمثیل است. «مثال» بیان یک موضوع به صورت دیگری است، به نوعی که بین آن دو شباهت وجود داشته باشد و با بیان آن، موضوع اول روشن تر گردد. «مثال» آنچه را که پوشیده و نامعلوم است، آشکار می کند. (احمدی، ۱۳۶۴: ۱۳۰) می توان از مثال جهت بیان اغراض حقیقی استفاده کرد و با ترسیم مقولات به شکل محسوسات، درک مفاهیم ارزشی را برای مخاطب ممکن ساخت. مثال های قرآن دارای فواید تربیتی با ترکیب های هنری متفاوت می باشد؛ بعنوان نمونه در آیاتی با این ترکیب، موضوع به گونه ای است که نباید در معنای سطحی مثال ها توقف کرد، بلکه با اندیشیدن درباره آنها باستی به معانی عمیق آنها بی ببرد. "ای کسانی که ایمان آورده اید! بخشش های خود را با منت و آزار، باطل نسازید! همانند کسی که مال خود را برای نشان دادن به مردم، اتفاق می کند؛ و به خدا و روز رستاخیز، ایمان نمی آورد؛ (کار او) همچون قطعه سنگی است که بر آن، (قشر نازکی از) خاک باشد؛ (و بذرهایی در آن افشارنده شود؛) و رگبار باران به آن برسد و همه خاکها و بذرها را بشوید،) و آن را صاف (و خالی از خاک و بذر) رها کند. آنها از کاری که انجام داده اند، چیزی به دست نمی آورند" (بقره: ۲۶۴). به منظور تفہیم اهمیت اتفاق و نهادینه سازی در ذهن مخاطب، در قالب هنری، اینچنین رابطه میان اتفاق و رشد آدمی را تمثیل به دانه گندم بیان کرده است "کسانی که اموال خود را در راه خدا اتفاق می کنند، همانند بذری هستند که هفت خوش برویاند؛ که در هر خوش، یکصد دانه باشد؛ و خداوند آن را برای هر کس بخواهد (و شایستگی داشته باشد)، دو یا چند برابر می کند" (بقره، ۲۶۱)

۱-۱-۳-نمایش: به عنوان نمونه ای از هنر نمایش، آیاتی از قرآن بزم دوستانه ای از بهشتیان را در یک مجمع عمومی پیاده سازی می کند (یطوفون علیهم ولدان مخلدون؛ باکواب و اباريق و کأس من معین) (واقعه، ۱۸-۱۷) مجلسی آراسته است، دوستان به دور هم حلقه زده اند، وسایل پذیرایی از هر جهت آماده و آراسته؛ نوجوانانی زیبا و جاوید با

کوزه‌های مخصوص و لیوان‌های خواستنی در آن طوف می‌کنند و پذیرایی می‌نمایند؛ کاسه‌هایی پر از نوشیدنی‌های خوش‌گوار یکی پس از دیگری در گردش است" استدلالات عقلی را می‌توان در قالب نمایش تئاتر، فیلم، پرده نما و قالب هایی از قبیل برای تاجر به تصویر کشید.

۱-۴-برگزاری نمایشگاه: تاجر با نیم نگاهی به آیاتی که در آن از مظاهری همچون کوه، دریا، صحراء، ستاره‌ها، آسمان، خورشید، نور و ظلمت، روییدن گیاه و غیره یاد شده این نکته را در می‌یابد که در نمایشگاه هستی همه این تابلوهایی بدیع به صورتی زنده، متحرک و زیبا، گویا صحنه‌ی نمایشی است با درونمایه‌ای پر محظوا که در نهایت به او آموزشی می‌دهد، به تفکر وا می‌دارد و یا بینش و بصیرتی عطا می‌کند که در آن ترتیبی نیکو نهفته است. نمونه‌ای از نمایشگاه‌های گسترده و طولانی همان داستان روییدن گیاه که به سرعتی برق آسا و پرشتاب از آن یاد می‌شود و در پرده ای دیگر به آرامی به نمایش در می‌آید «اللهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَاحَ فَتَبْرِيرَ سَحَابًا فَيَسْطُلُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسَافًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خَالِلِهِ» بادها انقلاب می‌کنند و در آسمان ابرها را با طوفان پرشتاب تشکیل می‌دهند همان‌گونه‌ای که او می‌خواهد که سرانجام این ابرها روی هم انباشته می‌گردند و در نتیجه باران از لبه‌لای آن بیرون می‌جهد از آسمان به زمین فرو می‌ریزد و سرانجام مردم بعد از نالمیدی به یکدیگر بشارت می‌دهند و بعد این آب را در دل زمین به صورت چشممه‌سارها جاری می‌سازد کشترارهای گوناگون از آن بیرون می‌آید - شاداب و خوش‌رنگ و در حال رسیدن شاداب و بعد خشک می‌شوند.

۱-۵-طراحی فرانامه(سناریو): در این نوشتار منظور از فرانامه "طراحی نظام مند از سلسله رویدادهای در قالب هنرکه در آینده قرار است به منظور اثبات و تقویت عقاید دینی برای تاجر رخ دهد" است. این روش برگرفته از روش ابراهیم علیه‌السلام برای اثبات عقیده امت خود است(انبیاء، ۵۷): قرآن کریم بهره گیری از این روش را اینگونه گزارش می‌کند: ابراهیم علیه‌السلام به عنوان یک جوان داعی توحید به معرفت پروردگار وارد میدان دعوت در یک جامعه شرک آلد شد؛ اما دلهای افراد جامعه خواب و مغزها متحجر شده بود. در حالی که ابراهیم علیه‌السلام، به تدبیر الهی باید تکانی به دلها و فکرهای مردم می‌داد تا در سایه این تکان شدید، بتواند توحید را به اعماق جان مردم برساند. آن تکان شدید اینگونه به وجود آمد که ابراهیم علیه‌السلام بتخانه و مرکز ایمان جاهلانه را با طراحی سناریو سیر حرکت بیداری مردم به هم بربیزد. سناریو این گونه آغاز شد که وی وارد بتخانه شد، "بته را شکست و تنها بت بزرگ را سالم نگاه داشت؛ برای این که از همین نقطه بتواند استفاده کند و ذهن ها را متوجه حقیقت سازد. بعد از آن که مردم فهمیدند این حرکت، کار ابراهیم است به او گفتند: آیا تو این کار را با خدایانمان کردی؟ ابراهیم علیه‌السلام به آنها جواب داد: «اگر بتها حرف می‌زنند از خودشان بپرسید! متعاقب این تکان شدیدی که آنها داد، خواست ذهنشان را متذکر کند و به آنها ذکر بدهد. (انبیاء، ۵۸-۶۷) هرچند در طراحی استفاده از قالبهای هنری توجه به شرایط زمانی و مکانی، امکانات، عُرف اجتماعی، شرایط کلی تاجر اعم از جنسیت، تحصیلات، سن و غیره اجتناب ناپذیر است.

۱-روش‌های اثبات عقاید دینی

در دین اسلام اعتقادات اصول دین از طریق استدلال عقلی اثبات می‌شود و تقلید جائز نیست. با این توضیح که نیروی خرد قابل رشد و تعالی است و در اثر به کار بستن روش‌های عاقلانه تقویت شده و کمال خواهد یافت. اسلام، تربیت عقل را با تعیین میدان تفکر و عرصه‌ای که عقل می‌تواند در آن جولان دهد، آغاز می‌نماید؛ سپس نیروی عقل را از طریق استدلال و کشف حقیقت تمرین می‌دهد و برای این موضوع از دو وسیله استفاده می‌نماید: "اولاً روش‌های تفکر

به دست می‌دهد و ثانیاً تدبیر در قوانین طبیعت و دقیق بودن و پیوستگی آن‌ها را با یکدیگر گوشزد می‌کند. در این زمینه اسلام عقل را طوری پژوهش می‌دهد که به دقت نظر و انصباط و نظم عادت نماید". (حجتی، ۱۳۹۸) بنابراین برای نهادینه سازی ارزش‌های دینی در تاجر، ابتدا باید اعتقادات دینی در تاجر با ادله عقلی و علمی اثبات شود و سپس این اعتقادات در باور وی رسخ نماید."مهترین مسئله در جهان بینی شناخت مبدأ، شناخت معاد و شناخت رابطه انسان با مبدأ و معاد است"(صبحی‌یزدی، ۱۳۹۲: ۱۶۴) با عنایت به فلسفه بعثت پیامبران و نزول کتاب آسمانی، ارزش‌های دینی را می‌توان آموزش داد و نهادینه ساخت؛ اما نکته مهم چگونگی نهادینه سازی ارزش‌ها است. در همین راستا پیش مقدمه نهادینه سازی ارزش‌های دینی در تاجر ۱- کسب معرفت نفس(شناخت استعداد، ظرفیت‌ها، ابعاد وجودی و موقعیت خود در جهان هستی)؛ ۲- بینش توحیدی(شناخت مبدأ و نسبت خود با خالق هستی)؛ ۳- معادباوری(شناخت مقصد و ترسیم مسیر سعادت در جهان هستی) می‌باشد. (شکل ۱-۱)

۱-۲-۱- ایجاد معرفت نفس (خودشناسی) در تاجر (مقدمه اثبات عقاید دینی)

"مسئله خودشناسی از مسائل مهمی است که توجه به آن به لحاظ کارکرد در آیات قرآن مورد تأکید فراوان قرار گرفته است؛ از جمله در آیه **{وَ فِي أَنفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ}** (ذاریات: ۲۱)؛ «در وجود خود شما [نیز آیاتی است]؛ آیا نمی‌بینید؟» ایجاد معرفت نفس در تاجر اولین گام در نهادینه سازی اعتقادات بعنوان "یکی از عوامل بسیار موثر در تحولات مختلف در مبادی فعل خصوصاً مرحله شوق و انگیزش و در پی آن تحولات مختلف در افعال است"(صبحی‌یزدی، انسانشناسی در قرآن، ۱۳۹۲: ۱۶۳) خودشناسی موجب تنظیم ارتباط انسان در ابعاد چهارگانه ارتباط انسان با خداوند، جهان هستی، سایر انسان‌ها و خویشتن می‌گردد. خودشناسی در ارتباط با خداوند موجب تنظیم ارتباط انسان با خداوند می‌شود و انسان را به خداشناسی می‌رساند. خودشناسی بدان معناست که انسان به تأمل درباره خود بپردازد و صفات، استعدادها و ملکات مثبت و منفی خود را در قدم اول بشناسد و در قدم دوم به یک سازندگی اصولی دست بزند. مسلم است که انسان تا از شناخت صفات و ملکات خود غافل باشد، نمی‌تواند به اصلاح خود بپردازد. اگر کسی خویشتن را به حقیقت وجودی خوب بشناسد، خدا را خوب خواهد شناخت و خواهد فهمید که نه وجود و نه شئون او از آن او نیست و این که انسان یکی از آیات الهی است. علامه طباطبائی به سبک تربیتی اخلاقی خاص قرآن کریم اشاره می‌نماید و آن توجه به معرفت الله و اسماء و صفات الهی است؛ بنابر نظر ایشان "قرآن کریم با تکیه بر برخی صفات و اسماء الهی رذائل اخلاقی را از ریشه درمان می‌نماید؛ برای مثال معرفت دهی به مالکیت حقیقی خداوند نسبت به همه هستی همچنین معرفت دهی به اینکه قدرت، عزت، رزق تنها در دست خداست منجر می‌شود زمینه ای برای بروز رذائلی همچون ریا، ترس از غیر خدا، امید و توکل به غیر خدا در او وجود نداشته باشد.(طباطبائی، ۱۳۹۰: ۵۳۹) خودشناسی در ارتباط با سایر افراد سبب می‌شود انسان گرایش‌های معنوی موجود در فطرت خویش را بارور کند و به تکامل اخلاقی دست یابد. از گرایش‌های معنوی فطرت انسان، ارزش‌های دینی است که در تنظیم و بهبود روابط میان انسان‌ها و نیز رعایت حقوق دیگران مؤثر است. خودشناسی در ارتباط با خویشتن موجب آگاهی انسان از استعدادها و کمالات وجودی خویشتن و نیز اوصاف و رذائل اخلاقی نکوهیده‌اش می‌شود. این خودآگاهی به انسان کمک می‌کند تا از طریق خودسازی و تهذیب نفس، بر جنبه‌های منفی وجودش غلبه کند و در مسیر تعالی اخلاقی و تکامل معنوی خویش گام بردارد و نیز به رعایت حقوق دیگران در جامعه پاییند باشد."(سلیمی، ۱۴۰۲: ۸۹)

تفکر و عبادت راه کسب معرفت نفس

«تفکر» از ریشه «ف ک ر» در لغت به معنای تأمل و در اصطلاح، تصرف قلب در معانی اشیا برای ادراک مطلوب است.(مصطفوی، ۱۳۷۴، ج ۹، ۱۲۶) حقیقت تفکر و اندیشیدن مركب از دو حرکت است: اول حرکت به سوی مقدمات هر مطلب؛ دوم حرکت از آن مقدمات به سوی نتیجه. مجموع این دو حرکت که سبب شناخت و معرفت اشیاء می‌شود «فکر» نام دارد. (طربیجی، ج ۳، ۴۲۲ - ۱۳۶۳) اندیشیدن، مطلوب خداوند حکیم است. خداوند در بیش از سیصد آیه انسان را به تفکر، تدبیر، تعلق و تذکر دعوت کرده است(طباطبایی، ۱۳۶۳، ۵۷ / ۳) تفکر در خلقت آسمان و زمین و نظم دقیق در آفرینش، انسان را به عظمت خداوند و جایگاه خود در مجموعه عالم هستی آشنا می‌کند. انسان با تعلق و تفکر ارزش، اندازه و قابلیت خود را درک می‌کند و از این رهگذر به نقش خود در هستی آگاه می‌شود. "اندیشیدن در خلقت و آفرینش خدا انسان را به شگفتی و امی دارد"(بحارالانوار، ج ۸، ص ۳۲۴). ملازمة چنین اعجابی، فرو آوردن سر تسلیم و اعتراض به حقارت و بندگی است. در نتیجه ارکان عبودیت تقویت شده، عابد به معبد می‌پیوندد. آن چه در آیات و روایات در باب ارزش تفکر به چشم می‌خورد، تفکری است که انسان را از حالت ایستایی بازستاند و به حرکت و پویایی درآورد «آیا پیش خود فکر نمی‌کنند که خدا آسمان‌ها و زمین و هر چه در بین آن‌ها است همه را جز به حق و به وقت معین نیافریده است؟»(احقاف، ۳) حاصل چنین تفکری، انسان ساز است؛ آن گاه از سطح غریزه‌های نفسانی برتر آمده و به حد تأمین نیازهای معنوی می‌رسد و راه عبودیت و بندگی را به بهترین شکل می‌نمایاند و به این نکته دست می‌یابد که آرامش راستین همان انس با خدا (رعد، ۲۲) و تعیت از فرمان‌های اوست، بدین صورت که سعادت و کمال انسان که همان ظهور فعلی کمالات الهی در او است، منوط به عبادت است و تنها از این طریق است که صفات و کمالات الهی در او ظهور می‌کند. "و به انسان‌ها هیچ ماموری ندادیم مگر اینکه در دنیا خالصانه خداوند را عبادت کنند"(بینه، ۷) بنابراین خروجی تفکر صحیح عبادت خداوند است. "من جن و انس را نیافریدم، جز برای این که عبادت کنند"(ذاریات، ۵۶) علامه طباطبایی معتقد است "عبادت غرض از خلقت انسان است و کمالی که عاید انسان می‌شود. برای عبادت غرضی از قبیل معرفت در کار است، معرفتی که از راه عبادت و خلوص در آن حاصل می‌شود" (طباطبایی، ۱۳۶۳، ۱۸ / ۵۸۰) علامه نیز منظور از «لیعبدون» را به معنای «لیعرفون» دانسته است(همان) یعنی هدف از خلقت شناخت و معرفت است. نماز برای هویت‌یابی است؛ انسان وقتی در برابر پروردگار متعال اقرار می‌کند (ایاکَ تَعْبُدُ وَيَاكَ نَسْتَعِينُ)(حمد، ۵) خدا من بنده تو هستم، هویت من این است، تمام وجودم از توست و در گرفتاری‌ها به این نتیجه می‌رسم که همه کاره تو هستی. انسان بسیار ضعیف آفریده شده و چون آسیب‌پذیر است در نماز خود را باید به قدرت برتر وصل کند و اگر متصل نشود در طوفان حوادث، محو می‌شود. بنابراین معرفت نفس محصول عبادت خالصانه‌ای همچون نماز است.

تفکر در عظمت وجودی و ظهوری انسان، کمال انسان و انسانیت و معیارهای آن، رابطه انسان با خدا و راه کمال انسان، جایگاه انسان در آفرینش و خلیفه الهی، ولایت انسان، هدف زندگی و خلقت انسان. خروجی این تفکر، خودشناسی است که به تمام کارها و اعمال انسان معنی و جهت می‌دهد یعنی معرفت‌زایی ناظر به کارکرد عقل است و سنجش‌گری ظرفیت قابل توجه عقل است. "بدترین جنبندگان نزد خدا، افراد کر و لالی هستند که اندیشه نمی‌کنند" (انفال، ۲۲) اگر آیاتی، عقل و انسان را به طبیعت و زمین و آسمان ارجاع می‌دهد، نه اینکه به معنای ظاهر باشد، بلکه عقل از این طبیعت باید پی به مسائل خودشناسی ببرد. به دیگر سخن، تعلق ظاهرنگرانه در قرآن وجود ندارد و این ارجاع به طبیعت بی‌جان نیست، بلکه این طبیعت هدف‌مند است و مراجعه به آن انسان را به معنای دیگری ارجاع می‌دهد. امام رضا علیه السلام بالاترین درجه خرد را خودشناسی دانسته و تفکر را همچون آینه‌ای برای شناخت خوبی‌ها و بدی‌های انسان معرفی می‌کند(مجلسی، ۱۴۰۳ / ۷ / ۳۵۲). بنابراین خروجی تفکر صحیح معرفت نفس است.

اسلام دینی برپایه عقل و تفکر است که گرچه به عادات بدنی مانند نماز و روزه و غیره دستور می‌دهد اما بخش اعظم ایمان را در تعلق و تفکر جستجو می‌کند. هر تفکری عبادت نیست، بلکه تفکری که در احادیث اسلامی برای آن

فضیلت بسیار وارد شده، تفکری است که در مسیر تکامل معنوی انسانی باشد؛ خدا به انسان نیروی فکر و تعلق داد که ابتدا خود را بشناسد تا بعد از آن در احوال هستی تدبیر و تفکر کند. تفکر حقیقی به ارتباط و عبودیت واقعی خداوند منتهی می‌شود زیرا حاصل چنین تفکری، انسان ساز است. در حدیث نبوی است که "تفکر یک ساعت از عبادت شصت سال بهتر است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۲۵/۶۸) تفکر صحیح است که انسان از خواب غفلت بیدار می‌شود؛ مانند تصمیم «حر» در کربلا که نتیجه تفکر چند دقیقه‌ای او بود و معادل ارزش چند سال عبادت است. بنابراین نتیجه معرفت نفس در بستر تفکر حقیقی، عبودیت و عبادت خداوند است.

وقتی تاجر به این معرفت رسید که خالق او خداوند حکیم است و برای هدفی والا که رسیدن به عبودیت است آفریده شده است از این زمان به بعد، تنها فعلی که او را به این هدف عالی نزدیک کند منفعت می‌داند و هر فعلی او را از این هدف دور کند مضر می‌داند؛ چنین شخصی هرگز فعلی را که به زندگی اخروی او ضرر می‌رساند مثل کسب درآمد به هر طریق ممکن (کم فروشی، ربا، دروغ، نقص ایمان و کیل) را دارای منفعت نمی‌داند و وجود فائدۀ درآنها را تصدیق نمی‌نماید. بنابراین مبادی فعل در او تحقق نمی‌یابد و مرتکب آن عمل قبیح نمی‌گردد. در یک جمع بندی می‌توان گفت کسب معرفت نفس در تاجر زمینه پذیرش اعتقادات دینی را مساعد می‌کند. تاجر پس از کسب معرفت نفس و از رهگذر تفکر صحیح می‌تواند سنگ بنای پایه‌های اعتقادی خویش را بنا نماید؛ بدین صورت که تفکر در صفات خداوند و نحوه تاثیر گذاری خداوند بر هستی و انسان سبب دست یابی به بینش توحیدی است. تاجر با تفکر در معاد و نحوه ظهور توحید و شرک در قیامت؛ اتفاقاتی که برای انسان بعد از مرگ می‌افتد؛ عالم بزرخ و بقای روح؛ تولد ثانی و زندگی پس از مرگ به معاد باوری می‌رسد.

۱-۲-ایجاد بینش توحیدی و معادباوری در تاجر؛ «توحید» در لغت یعنی یگانه گردانیدن، یکی کردن، حکم به واحد بودن چیزی دادن و در اصطلاح به معنای یکی دانستن خدا، به خدای یگانه ایمان داشتن، یگانه پرستی و یکتا پرستی می‌باشد (دهخدا، ۱۳۷۳: ۶۲۳۲/۵) مشی قرآن در تربیت آدمی در تمام شئون زندگی فردی و اجتماعی، رساندن انسان به توحید در زمینه اعتقاد به عمل است. ریشه تمام عقاید و افکار پاک و اعمال صالح توحید است توحید همچون ریسمانی است که همه دانه‌ها را به هم پیوند می‌دهد" (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۶۶: ۱۵۹/۲) از نگاه مقام معظم رهبری "معنای «توحید» صرفاً یک نظریه‌ای فلسفی نیست، بلکه یک نظریهٔ زیربنایی در مورد انسان و جهان و نیز یک دکترین اجتماعی و اقتصادی و سیاسی است. از دیدگاه ایشان در میان واژه‌های مذهبی و غیر مذهبی، کمتر واژه‌ای می‌توان یافت که تا این حد سرشار از مفاهیم انقلابی و سازنده و ناظر به ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی و تاریخی انسان باشد، و به همین دلیل، همه دعوت‌ها و نهضت‌های الهی در طول تاریخ با اعلان یگانگی خدا و ربوبیت انحصاری او آغاز گردیده است(خسروپناهی، ۱۳۹۸/۱: ۱۱۱). اخلاق و اعتقادات به دلیل رابطه متقابل صفات نفسانی و عقاید انسانی، بر یکدیگر مؤثرند. به تعبیری امر توحید در افراد جامعه و روابط انسانی منجر به بروز فضایل اخلاقی می‌شود. باورهای توحیدی هستند که در صورت درونی شدن، در افراد جامعه ملکات نفسانی مستعد برای بروز رفتارهای حسن و مطابق با اخلاق توحیدی را فراهم می‌آورند. حضرت شیعیب(ع) تبیین می‌کند که چگونه توحید می‌تواند در امور تجاری و مدیریت آن عدالت را بربرا داشته و تقویت نماید، به گونه‌ای که افراد و اشخاص جامعه توحیدی همواره روابط اقتصادی خویش را برپایه موازین پذیرفته شده عقلانی و شرعی سامان می‌دهند، از تعدی به حقوق دیگران پرهیز می‌کنند و راه قسط و عدالت را می‌پیمایند این اصل آن چنان در حوزه اقتصادی کارکرد عدالت گرایانه دارد که قرآن در مواردی به توحید برای تقویت و تحکیم روابط سالم اقتصادی و اجتماعی تأکید می‌ورزد؛ بدین صورت که به یکی از مقاصد اقتصادی که از روح شرک سرچشمۀ می‌گیرد و در آن زمان در میان اهل مدنی سخت رائج بود اشاره کرده است" و بسوی «مدنی» برادرشان شعیب را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم من! خدا را پرستش کنید، که جز او، معبود دیگری برای شما نیست! پیمانه و وزن

را کم نکنید و دست به کمفروشی نزنید" (هود، ۸۴). "هر گونه اصلاح اجتماعی و اخلاقی بدون توحید میسر نخواهد بود." (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۶۶: ۲۰۱/۹) بنابراین ایجاد بینش توحیدی در تاجر موجب التزام عملی به کسب صفات اخلاقی در تمام امور از جمله در فعالیت تجاری می‌شود و التزام تاجر به باورهای توحیدی ریشه نهادینه‌سازی ارزش‌های دینی است.

تمام امور دینی از اصول و فروع مبتنی بر دو امر است؛ یکی تصدیق به مبدأ و دیگری تصدیق به معاد است. اگر توحید به معنای یگانگی و مدبر بودن خداوند در میان شرایع و سطح زندگی نمودار نباشد، انسان دچار شرک خواهد شد و این ناسازگار با باور به معاد به معنی جریان داشتن زندگی پس از مرگ می‌باشد. بر مبنای آیه‌(و ما خلقنا السموات و الارض و ما بينهما لاعبين)(انبیاء، ۱۶) "ما آسمان و زمین، و آنچه را در میان آنهاست از روی بازی نیافریدیم" اگر کسی خدا را بشناسد به عنوان یک موجود کامل الذات، به عنوان یک موجود متنزه از لعب و عبث و فعل باطل. و به عنوان یک موجود حکیم، آن وقت می‌داند که قیامت و عالم بقا نمی‌تواند نباشد (مطهری، ۱۳۸۶: ۵/ ۱۲۷-۱۲۲) بنابراین توحید و معاد لازم و ملزم هستند "معبود شما خداوند یگانه است؛ اماً کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، دلهایشان حق را انکار می‌کند و مستکبرند" (نحل، ۲۲) به تعبیر علامه طباطبائی آیه در صدد بیان این مطلب است که "توحید کامل زمانی ایجاد می‌شود که شما نه فقط به مبدأ واحد معتقد باشید بلکه باید به معاد هم معتقد باشید و گرنه اگر کسی معتقد به خدا باشد ولی آخرت را قبول نداشته باشد در حقیقت در اعتقاد به توحید هم دچار مشکل است." (طباطبائی، ۱۳۶۳: ۱۲/ ۳۳۴) معادباوری عنوان ضمانت اجرای ارزش‌های اخلاقی در تجارت است. بنابر جهان بینی الهی، کیفیت زندگی در سرای آخرت بستگی به اعمال اختیاری انسان در زندگی دنیا ای خود دارد. در منظومه فکری تاجر، با تکیه بر جهان بینی ترسیم شده در قرآن کریم، هرگز منافع دنیوی که دارای عمر کوتاه هستند و منجر به عذاب اخروی می‌شوند منفعت محسوب نمی‌شود؛ اما از سوی دیگر، سختی‌های دنیا ای که در مسیر التزام عملی به ارزش‌های دینی برای تاجر رخ می‌دهد، ولی سعادت اخروی را در پی دارد منفعت هستند. پیش زمینه رفتار صحیح تاجر رسوخ باورها و اعتقادات دینی در وی است. بر مبنای آیات قرآن، سیر روش نهادینه سازی ارزش‌های دینی بدین صورت تعریف می‌شود که ابتدا باید اعتقادات از طریق استدلال عقلی و علمی اثبات شود و سپس در تاجر رسوخ پیدا کند. در این حالت است که زمینه پذیرش صفات حسن‌های در تاجر ایجاد می‌شود.

۱-۳-۱- روش‌های اثبات اعتقادات در تاجر(شکل-۱)

۱-۳-۱- روش مشاهده‌ای (تجربی)

از روش‌هایی که می‌توان برای برای اثبات اعتقادات دینی (توحید و معادباوری) بهره برد روش مشاهده‌ای است. از منظر قرآن طبیعت نشانه توحید برای انسان است و بیش از ۷۵۰ آیه اشاره به ظواهر طبیعت می‌کند که نشان از تأکید بر لزوم استفاده از حسن و مشاهده به عنوان یک منبع معرفت و شناخت است؛ ابعاد گوناگون جلوه‌ها و زیبایی‌های آن را یادآور می‌شود مانند توجه دادن انسان‌ها به آسمان و زیبایی‌ها و نظم و استحکام آن، دعوت به مشاهده نظام آسمان‌ها و زمین و مخلوقات. بی‌گمان، هدف این آیات، طرح علوم طبیعی و بیان قوانین آن نیست، بلکه منظور از ذکر این شگفتی‌ها تدبیر در موجودات طبیعی و توجه به نشانه‌های آن در اصل خلقت است "مسلمان در آفرینش آسمان‌ها و زمین و

در پی یکدیگر آمدن شب و روز برای خدمتمندان نشانه‌هایی است" (آل عمران، ۱۹۰) به همین دلیل مفاهیم انتزاعی باید در قالب حس به مخاطب تفهیم می‌شود."پروردگار برای بیداری دل‌ها و پیمودن راه توحید و خداشناسی، دعوت به تامل در مسأله نزول باران و زنده شدن زمین‌های مرده، توجه دادن انسان به مبدأ آفرینش، دعوت انسان به بازنگری دوباره غذا و چگونگی پدید آمدن آن و به صورت کلی دعوت به تأمل در پدیده‌های گوناگون هستی نموده است".(مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۳۰/۱) روش مشاهده‌ای با اقتباس از آیاتی است که انسان را دعوت به مشاهده سیر آفاقی می‌کند از جمله (و من آیاته خلق السماوات والارض و...) (روم، ۲۲)، "(أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ خُلِقَتْ وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ وَإِلَى الْجَبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ وَإِلَى الْأَنْهَارِ كَيْفَ سُطِحَتْ"(غاشیه، ۲۰-۱۷). تمرکز در روش عینی بر اعتقاد و تفکر و تعقل در پدیده‌ها آنگونه که در مبدأ(توحید) و معاد است. در این نوشتار "مشاهده" به صورت "نگاه کردن صحیح و تفکر و تعقل در کائنات هستی" است. در این روش تاجر از امور محسوس به معقول و با اندکی تفکر و تنظیم زاویه دید از مخلوق به خالق می‌رسد.

از دیگر مواردی که به رعایت اخلاقیات و قانون در فرد و سازمان تجاری می‌انجامد، معادباوری و توجه به یاد مرگ است. قرآن مسأله امکان عقلی معاد را از راه‌های مختلفی اثبات می‌کند. از جمله استدلال‌های منطقی که در اعمق جان و روح انسان نفوذ می‌کند و نیز به صورت بحث‌های خطابی و تلقینات مؤثر و تکان دهنده. قرآن از حیات دوباره طبیعت یاد می‌کند؛ طبیعتی که در فصل زمستان می‌میرد و سبزی و شادابی خود را از دست می‌دهد، اما در فصل بهار دوباره زنده شده و جان دیگر می‌گیرد."خداآنده بادها را می‌فرستد که ایرها را برانگیزند، آنگاه آن را به سوی سرزمین مرده می‌رانیم تا زمین را پس از مرگش دوباره زنده کنیم" (روم، ۴۶). توصیف طبیعت و حیات دوباره آن یکی از نمونه‌های دیگر شگفتی‌های طبیعت در قرآن است(اعراف، ۵۷)، هدف از این توصیف مشهود، نشان دادن طبیعی حیات انسان پس از مرگ است. برای تاجر این سؤال می‌تواند مطرح شود که "چگونه پس از آن که تمام جسم انسان بوسید و متلاشی شد دوباره زنده می‌شود؟ آیا همان‌گونه طبیعت زمین پس از خزان و مرگ، دوباره حیات پیدا می‌کند او نیز دوباره حیات پیدا می‌کند؟ آیا خداوند همان‌گونه که شما را از آغاز آفرید باز نمی‌تواند بازگرداند؟(کما بدآگم تَعُودُون)(اعراف، ۲۹). معادباوری و توجه به یاد مرگ در قالب‌های هنری می‌تواند بصورت نمایشی از عذاب اخروی تاجری با صفات مذموم کم فروشی، ربا خور، دروغگویی و غیره، رعایت اخلاقیات و قانون در محیط کسب و کار را به دنبال داشته باشد.

آیاتی از قرآن رستاخیز «انرژی‌ها» را منعکس می‌کند: "خداآنده که از درخت سبز و شجر اخضر، آتش می‌آفریند قادر است که انسان‌ها را بعد از مرگ زنده کند" (یس، ۸۰) موقعی که چوب درختی را می‌سوزد و آتشی از آن به دست می‌آید، این حرارت و گرمای همان انرژی و حرارت و نور آفتاب است که در طول سالیان دراز در آن ذخیره شده، تصور آن است که نور و حرارت مرده و نابود شده، اماً در واقع، از نو جان می‌گیرد و لباس تازه‌ای از حیات در تن می‌پوشد. برای تاجر این سؤال می‌تواند مطرح شود که "آیا برای خداوندی که این قدرت را دارد که ده ها سال نور و حرارت آفتاب را در بدنه درختی ذخیره کند و در یک لحظه همه آنها را بیرون فرستد، تجدید حیات مردگان امر مشکلی است؟

مشاهده فیلم‌هایی از قبیل داستان خواب سیصد و نه ساله «اصحاب کهف» رستاخیز در خواب‌های طولانی را در تاجر تداعی می‌دهد؛ چنانکه قرآن بعد از شرح پیرامون خواب و بیداری آنها می‌فرماید (این چنین مردم را متوجه حال آنها کردیم تا بدانند و عده رستاخیز خداوند، حق است و در قیام قیامت تردیدی نیست) (كهف، ۲۱) قالب اجرای این روش می‌تواند با برنامه ریزی قبلی در یک اردو و نیز در حین انجام بازی مبتنی با سین و روحيات فرد اجرا شود. برای اثبات

معاد می توان بر اساس شرایط زمانی و مکانی با نشان دادن و تبیین فلسفه خواب زمستانی در بعضی حیوانات و حتی گیاهان، تغییر فصل ها و مواردی از این قبیل به آن پرداخت.

۱-۳-۲- روش استدلالی: در این روش تاجر با ارائه استدلال های عقلی و علمی از صورت ذهنی به تصدیق مقاهم دینی دست پیدا می کند. مبنای این روش بر گرفته از آیه (لوکان فیهاما الهه آلا الله لفسدتا) (انبیاء، ۲۲) "اگر در آسمان و زمین، جز «الله» خدایان دیگری بود، فاسد می شدند" است. "دلیلی که برای توحید و نفی آلهه در آیه آمده است در عین سادگی یکی از براهین دقیق فلسفی در این زمینه است که داشمندان از آن به عنوان "برهان تمانع" یاد می کنند، خلاصه این برهان را چنین می توان بیان کرد: "ما بدون شک نظام واحدی را در این جهان حکم فرما می بینیم، نظامی که در همه جهات هماهنگ است، قوانین ثابت و در آسمان و زمین جاری است، برنامه هاییش با هم منطبق، و اجزایش متناسب است. این هماهنگی قوانین و نظامات آفرینش از این حکایت می کند که از مبدء واحدی سرچشمه گرفته است چرا که اگر مبدأها متعدد بود و اراده ها مختلف، این هماهنگی هرگز وجود نداشت و همان چیزی که قرآن از آن تعییر به "فساد" می کند در عالم به وضوح دیده می شد". (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۶۴: ۱۳) قالب آموزشی اجرای این روش می تواند سخنرانی، مباحثه، اجرای کارگاه آموزشی باشد. این روش به دو طریق (الف) بکارگیری استدلال های عقلی؛ (ب) بکارگیری استدلال های علمی برای مخاطب اجرا می شود.

(الف) بکارگیری استدلال های علمی: بخشی از آموزه های قرآن در راستای نهادینه سازی اخلاق و رفتار پسندیده و نیز بر حذر داشتن مسلمانان از رفتارهای ناپسند، با استدلال علمی است. برای مثال خداوند در آیاتی از قرآن مسلمانان را از شرب خمر و ارتکاب قمار منع می کند و بر حرمت این عمل تأکید می کند "در باره شراب و قمار از تو سؤال می کنند، بگو: «در آنها گناه و زیان بزرگی است؛ و منافعی (از نظر مادی) برای مردم در بردارد؛ (ولی) گناه آنها از نفعشان بیشتر است" (بقره، ۲۱۹) خداوند در این آیات ضمن تحريم شراب و قمار در فرایندی که از توصیه آغاز و به تأکید و تهدید ختم می شود، به ارائه دلایل علمی در این خصوص می پردازد. تفسیر امام رضا علیه السلام در مورد علت حرمت خمر این است «خداؤند خمر را به دلائل تحريم نمود، شراب موجب فساد می شود، عقل نوشنده را متغیر می سازد، آنها را به سوی انکار ذات احادیث و افتراء به او و رسولانش و نیز سایر مفاسد دیگر چون قتل، تهمت، زنا، بی حیائی نسبت به محارم، سوق می دهد. لذا ما حکم کردیم که هر مسکری و مست آوری، خرید و فروش و خوردنش حرام باشد، زیرا نتیجه همه انواع مست کننده ها یکی و همانند خمر است، بنابراین هر آن کس که به خدا و روز جزا ایمان آورده و ما را دوست می دارد و مودت ما را بخود نسبت می دهد، می بایست از هر مست کننده ای بپرهیزد که به یقین عهدی بین ما و بین شاریین آنها باقی نیست» (حر عاملی، ۱۳۸۶: ۲۷). (۲۶۲/۲)

ب) به کارگیری استدلال های عقلی:

در آیات قرآن بکارگیری استدلال های عقلی برای اثبات توحید به طرق مختلف صورت گرفته است. در این مجال با بهره گیری از براهین (دلایل بدیهی) به اثبات توحید اشاره می شود. براهین و راههایی که برای شناخت و اثبات وجود خداوند اقامه شده است، متعدد بوده و در آنها از روش های متفاوتی استفاده گردیده است. در یک دسته بندی کلی، این براهین را از جهت روش می توان به سه دسته تقسیم نمود: راه فطری، راه علمی و شبه فلسفی، راه فلسفی. برهان نظم را به عنوان یکی از اقسام راه علمی و شبه فلسفی می توان تلقی نمود (صبحان، ۱۳۸۴: ۲/ ۳۶۵).

۱. برهان نظم

برهان نظم یکی از براهین اثبات وجود خداوند است. در این برهان از مقدمه ای که حسی و تجربی است استفاده می شود. بدین معنا که از راه مطالعه‌ی حسی و تجربی واقعیات و مخلوقات خارجی طبیعی و مشاهده آثار و آیات الهی و به کارگیری آن در استدلال برهانی، به نتیجه و مطلوب دست می باییم؛ از این رو است که برهان نظم، استدلال حسی و

تجربی محض نیست، بلکه پای عقل و مقدمه‌ی عقلی در میان خواهد بود(مصطفای، ۱۳۸۴: ۳۶۷/۲) به تعبیر بعضی از بزرگان بررسی برهان نظم ، مشهورترین دلیلی است که الاهیون بر وجود خداوند اقامه نموده‌اند (مصطفی، ۱۳۸۶: ۱۱۴/۸) همان دلیل و مسئله‌ی نظام موجودات(نظام متقن) است که با استفاده از آیه(صُنْعَ اللَّهِ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ)(تمل، ۸۸)"خداوندی است که همه چیز را متقن آفرید" می‌توان با نام "اتفاق صنع" از آن یاد کرد. صورت کلی برهان نظم را می‌توان چنین بیان داشت: "نظام موجود است، یعنی جهان منظوم(دارای نظم) است، و هر منظوم ناظمی دارد، پس جهان ناظم دارد."(جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۳۹) وجود نظم و تدبیر نیز بدون نظام و مدیر ممکن نیست و هیچ عاقلی نظام را زاییده تصادف و انفاق نمی‌داند. بنابراین عقل از روی ضرورت حکم می‌کند که نظام و تدبیر این جهان، گواه روشی بر وجود مدبری حکیم است" ما آیات خود را در آفاق جهان و نفوس بندگان هویتاً می‌کنیم تا آشکار شود که وجود خداوند حق است"(فصلت، ۵۳) هر موجود ممکن، آیه و نشانه‌ای از خداوند است. نظام زمان از جهت شب و روز و ایلاح یکی در دیگری در فصول مختلف و یا نظام زمین از جهت تأمین آرامش آن توسط کوهها و غیره، از دیگر نمونه‌های نظام موجود در جهان طبیعت هستند. قرآن کریم به نمونه‌هایی از آیاتی اشاره می‌کند از جمله (و من آیاته خلق السماوات و الارض ...)(روم، ۲۵ - ۲۲)؛ (من آیاته ان یرسل الرياح مبشرات)(روم، ۴۶)؛(افلا ينظرون الى الابل كيف خلقت و...)(غاشیه، ۲۱ - ۱۷) که متذکر آیتها و نشانه‌های خداوند و ناظم جهان هستی است. تاجر با مشاهده نظام و انسجام جلوه‌های خلقت که در طبیعت مشاهده می‌کند به اثبات خالق واحد و در نهایت به توحید می‌رسد.

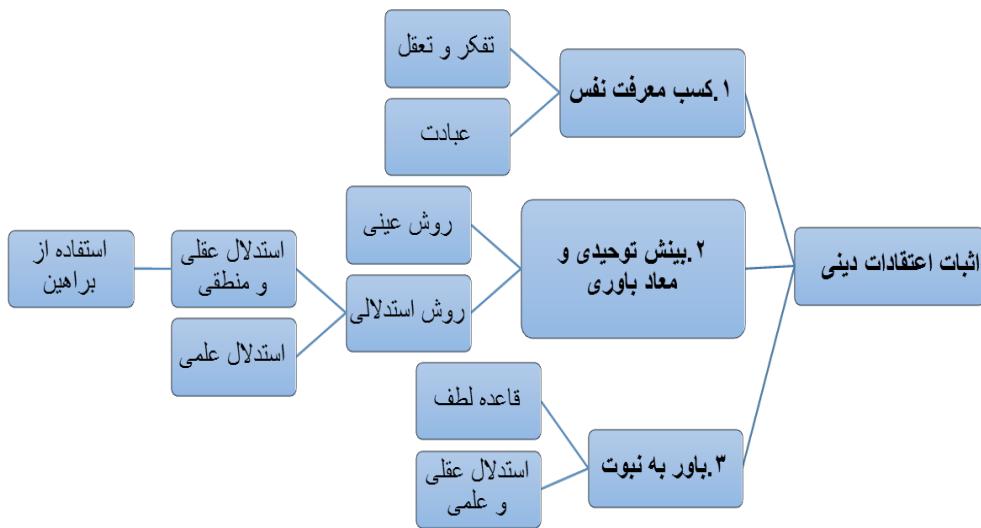
۲. برهان حرکت

یکی دیگر از براهین اثبات وجود خداوند برهان حرکت است. شهید مطهری محتوای کلی این برهان را چنین بیان می‌کند: "جهان دارای حرکت است. هر متحرکی نیازمند محرکی(حرکت‌دهنده) است (اصل علیت). تسلسل در عللها محل است. پس سلسله حرکات باید منتهی شوند به حرکت‌دهنده‌ای که خود ثابت بوده و دارای حرکت نیست"(مصطفی، ۱۳۸۶: ۱۱/۱۶۷) محور اصلی این آیات معرفی محرک واقعی و تأکید بر شناخت مبدأ فاعلی حرکت است؛ زیرا هیچ یک از پدیده‌های مذکور خود به خود متحرک نیستند و این کمال را از مبدأ فاعلی خود دریافت می‌کنند(جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۹۶) برخی از آیات عبارتند از: نوش باد و بارش باران(اعراف، ۵۷)؛ حرکت آب‌ها(ملک، ۳۰)؛ عامل سیر تدریجی انسان از نقطه تا رشد اندام و تعلق روح به بدن (مؤمنون، ۱۴-۱۲) ویژگی مشترک براهین اثبات خدا، معادباوری و نبوت، کاربرد روش عقلی است؛ روشی که به عقیده برخی، یکی از بهترین روش‌ها برای اثبات مباحث بنیادی و اصلی دینی است. تمامی این استدلال‌ها، وابسته به ۱. اثبات اصل علیت؛ و ۲. باطل بودن دور؛ ۳. باطل بودن تسلسل هستند.

۱-۲-۳- باورمندی به شئون نبوت

نبوت شئون گوناگونی دارد از جمله هدایت مردم (بقره، ۲۳۱)؛ تعلیم و تزکیه(آل عمران، ۱۶۱)؛ برپایی عدالت(حديد، ۲۵)؛ الگوی حسنی برای مردم (احزاب، ۲۱)؛ منبع اخذ قوانین دینی مطابق با عدالت و فطرت(اعراف، ۱۵۷)؛ تشکیل حکومت دینی و سیاست الهی (آل عمران، ۲۳؛ نساء، ۱۰۵)؛ اجرای بسیاری از قوانین تجاری و جاری شدن اعتقادات دینی در سایه تحقق تشکیل حکومت دینی اجرایی می‌شود تا جلوی بسیاری از نابسامانی‌های اجتماعی گرفته شود. در این میان پای بندی تاجر به حکومت دینی و التزام عملی به قوانین حکومت دینی ضروری است. زیرا در این حالت است که زمینه ارتکاب رفتارهای مخالف قوانین دینی در تمام عرصه‌ها از جمله تجارت مانند احتکار، کم فروشی، بی انصافی تکاثر ریا از میان می‌رود. در ابتدا لازم است برای تاجر ضرورت نبوت از طریق ادله عقلی اثبات شود که به یک نمونه اشاره می‌شود.

در کلام اسلامی، اثبات ضرورت نبوت با انکا به دلایلی از جمله قاعده لطف تبیین شده است؛ بر این اساس، "از آنجا که برای خداوند ضروری است که مکلف را به اطاعت از خود نزدیک و از گناهان دور سازد، بر خداوند واجب است که پیامبران را مبعوث سازد. در عرفان اسلامی، ضرورت نبوت با تکیه بر نگاهی آسمانی تبیین می‌شود که بر اساس آن، وجود انسان کامل در میان انسان‌ها ضروری است، پس نبوت ضروری است."(نصیری و همکاران، ۱۳۹۴) ضمن آنکه ادله عقلی که در ادامه برای اثبات توحید بیان می‌شود برای اثبات نیاز به باورمندی به شئون نبوت قابل استناد است. بر مبنای آیات قرآن از روش‌های زیر می‌توان برای اثبات اعتقادات دینی در تاجر بهره برد.



شکل ۱: داده نمای اثبات و تقویت عقاید دینی تاجر بر اساس آموزه های قرآنی

نتیجه‌گیری

در این نوشتار اثبات و تقویت عقاید دینی تاجر با رویکرد بهتر گرینی از آموزه‌های قرآن و با الهام از قالب‌های هنری مورد بحث قرار گرفت. بر مبنای آیات، سیر نهادینه سازی بدین صورت تعریف می‌شود: ابتدا باید اعتقادات از طریق استدلال عقلی و علمی اثبات شود و رسوخ پیدا کند. در این حالت زمینه پذیرش صفات حسنی در تاجر ایجاد می‌شود. گام اول در جهت دهنی به اعتقادات صحیح در تاجر، کسب معرفت نفس (خودشناسی) به عنوان یکی از عوامل موثر تحولات مبادی فعل به خصوص انگیزش و در پی آن تحولات در افعال، تنظیم روابط چهارگانه انسان با خود، خدا، دیگران و جهان هستی است. تفکر صحیح و عبادت خداوند دارای ارتباط دوسویه و از قطعات پازل دست یابی به معرفت نفس هستند به طوریکه نمی‌توان جدایی میان آن دو در نظر گرفت؛ هر چند که عبادت و معرفت نفس نیز با یکدیگر ارتباط متقابل دارند.

کسب معرفت نفس توسط تاجر دارای آثاری است. تاجر با مراجعه به خویشتن، نعمت‌ها و دارایی‌هایش، به روشنی می‌داند آنچه خداوند از او خواسته، شکرگزاری نعمت‌ها و استفاده بهینه از امکانات و دوری از ظلم و فساد است. اگر تاجر فهمید که حقیقت او یک حقیقت غیرمادی است و زندگی و کسب و کارش منحصر در زندگی مادی نیست، جنبه

بقاء و میل به خدا و جاودانگی، جهت طبیعی و فطری خویش را پیدا می‌کند و علاقه او متوجه زندگی ابدی اش خواهد شد. در این هنگام حرام در کسب و کار (مرزها و قانونمندی‌های خداوند) را مراعات و راه حلال (راهی مشروع که می‌توان از آن به تجارت مشغول شد) را می‌پیماید. در مقابل اگر تاجر گمان کرد که وجود او همین وجود مادی و کسب و کارش منحصر در همین زندگی دنیوی است، میل به بقاء از راه طبیعی و فطری منحرف می‌شود و در نتیجه موجبات تعدی به حقوق مشتری فراهم می‌شود.

محصول خودشناسی صحیح تاجر، مقدمه کسب بینش توحیدی، معادباوری و باور به نبوت است. در گام دوم اثبات اعتقادات، تاجر پس از کسب معرفت نفس نیازمند بینش توحیدی (شناخت مبدأ و نسبت خود با خالق هستی) و معادباوری (شناخت مقصد و ترسیم مسیر سعادت در جهان هستی) است که با استدلال عقلی و علمی میسر می‌شود. گام سوم اثبات اعتقادات، باورمندی به نبوت و شئون آن است.

هنر در نهادینه سازی ارزش‌های دینی به عنوان یک واقعیت فرهنگی و یک ضرورت در روند تکامل دینی تاجر، می‌تواند به برقراری رابطه معنادار میان مفاهیم دینی، تحول در ساختارهای شناختی و انتقال یادگیری این مفاهیم پیراًزد. در راستای نهادینه سازی ارزش‌های دینی (اعمّ از اعتقادات، صفات حسن‌الخلاقی و احکام عملی) به استفاده یا تولید ابزارهای نظام نهادینه سازی پیشرو در فرایند شکوفایی و رشد مهارت‌های فکری و شناختی اشاره شد که می‌تواند به شکل گیری هویت دینی، هدایت تجار به سوی ارزش‌ها و در نهایت به رفتارسازی این ارزش‌ها در محیط تجارت کمک نماید. با توجه به نقشی که متولیان تربیت اخلاقی از جمله خانواده، آموزش و پرورش، مساجد، دانشگاه، حوزه علمیه، سمن‌ها، رسانه‌ها و غیره بر عهده دارند، تدوین اصول راهنمای عمل و روش مؤثر و مناسب با وضعیت فکری و دگرگونی‌های محیطی ضروری به نظر می‌رسد. این مهم، مستلزم تغییر رویکرد از روش آموزش محور به سمت تربیت محور در نهادهای متولی آموزش و پرورش کشور است.

منابع:

قرآن کریم (۱۳۹۰). ترجمه مکارم شیرازی. اسوه، احمدی، احمد، اصول و روش‌های تربیت در اسلام، اصفهان، واحد فوق برنامه پخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی اصفهان، ۱۳۶۴.

- ابن منظور (۱۳۷۴). لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربي.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). تبیین براهین اثبات خدا، نشر اسرا، چاپ پنجم.
- خسرو پناهی، عبد الحسین (۱۳۹۸). منظومه فکری آیت الله العظمی خامنه‌ای.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، دانشگاه تهران، چاپ یکم، تهران، ۱۳۷۳ ش.
- رهنمایی، احمد (۱۳۹۸). درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت، قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن، دارالعلم.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۶۶). المیزان فی تفسیر القرآن. جامعه مدرسین حوزه علمیه. چاپ پنجم.
- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن. دارالکتب الاسلامیه. چاپ ششم.
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، صدر، چاپ سوم، قم، ۱۳۸۶ ش.
- محدثی، جواد (۱۳۶۵). هنر در قلمرو مکتب، انتشارات سپاه، چاپ اول.
- مجلسی، محمدمباقر، بحار الأنوار (۱۴۰۳). الجامعه لدرر اخبار الأئمه الإطهار، بیروت: دار إحياء التراث العربي مؤسسه الوفاء، مصباح بزدی، محمدتقی (۱۳۸۴). آموزش عقاید، چاپ اول، قم: دارالتفقین.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۶۶). تفسیر نمونه، دارالكتاب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷). پیام قرآن. امام علی بن ابیطالب (ع).
- نصیری، محمد، نعمتی سیدجواد (۱۳۹۴). مقایسه ضرورت نبوت از منظر فلسفه و عرفان، فصلنامه اندیشه نوین دینی، ش ۴۱.

-
- Benedetto, R. and Thompson, K. (2013). Creating an optimal culture: the emergence of the entangled organization. *Employment relation today*, 13-19.
- Camp, R. C. (1998). 'Benchmarking: The Search for Industry Best Practices that Lead to Superior Performance,' ASQC Quality Press, Milwaukee WI